

## خمینی نسل ما



هدی برهانی  
آموزگار

📖 برای ما بچه‌های نسل سوم انقلاب، دهه فجر مساوی بود با زنگ ورود امام به ایران در ساعت ۲۷ و ۹ دقیقه ۱۲ فروردین، شور و شوق تمرین نمایشنامه‌ها، درست کردن روزنامه دیواری، تزئین کلاس‌ها

و خواندن سرودهای انقلابی در زنگ‌های تفریح. ما نسل سومی‌ها «جاویدان ایران عزیز ما» را دسته جمعی و با فریاد همراه با نوای بلندگوهای حیاط مدرسه می‌خواندیم و بی‌هیچ خاطره‌ای از روزهای انقلاب، مثل اسب‌های سرگردان و وحشی، سرمست از پیروزی بر رژیم طاغوت دور حیاط می‌دویدیم! نه این‌که بخواهم بگویم ما اصلاً چیزی از انقلاب نمی‌دانستیم، نه! ما فقط آن قدری که باید آگاه و بزرگ نبودیم. ما یک تصور فانتزی از انقلاب داشتیم. همان تصور فانتزی که رسانه‌ها، مدرسه و اطرافیان مان برایمان ساخته بودند. انقلاب برای ما خلاصه می‌شد در این‌که ۲۲ بهمن به راهپیمایی برویم، پرچم ایران روی دوش مان باشد و وقتی داریم میان نگه داشتن نخ بادکنک و به دندان کشیدن باقالی پخته چرخ‌ها تعادل ایجاد می‌کنیم، همزمان مشت مان را گره بزنییم و مرگ بر آمریکا بگوییم. ما نسل سومی‌ها امام را دوست داشتیم، اما نه آن‌طور که پدران و مادران مان دوستش داشتند و نه حتی آن‌طور که هم‌رکبان ریش سفیدش. ما آن امام مهربان داخل آشپزخانه اول کتاب را دوست داشتیم. همان پیرمرد خنده‌رو که عرق چین روی سرش گذاشته بود و داشت از سماور استکانش را پر می‌کرد. امام برای ما این مرد دلنشین و مهربان بود. امام ما با مرد خستگی‌ناپذیر پدر بزرگ‌ها و پیرمرد پرابهت پدرهای مان خیلی فرق می‌کرد. ما امام را از توی روزنامه دیواری‌ها و نمایش‌ها شناخته بودیم و او را همین‌طوری صمیمی و دست‌یافتنی باور کرده بودیم.

امام ما نسل سومی‌ها چهارزانو جلوی دیوار کاغذ دیواری شده ساختمان دهکده نوفل‌لوشاتو نشسته بود و به دوربین زل زده بود. ما این امام را دوست داشتیم. این مرد با جذبه‌ای که لیخندش حتی از پشت اخم‌هایش هم هویدا بود. اما راستش را بخواهید، نمی‌دانم بچه‌های این نسل امام را چطور می‌شناسند. بچه‌هایی که بالای کتاب‌های قدیمی کتابخانه، مادرشان ننوشته است «بی‌عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد». این بچه‌ها امام را چطور می‌شناختند؟ با همین عکس‌های اول کتاب؟ راستش امسال اولین سالی است که ما در مدرسه دهه فجر و شور و شوقش را نداریم. من دوست دارم بچه‌هایم خمینی کبیر را بشناسند. با سبک و سیاق خودشان. با سرودها و روزنامه دیواری‌های دست‌سازشان. برای همین هم بود که به بچه‌ها گفتم سراغ خانواده و دوست و آشنا بروند و از آنها بخواهند امام را برایشان با یک کتاب معرفی کنند. بروند بخواهند بزرگ‌ترهایشان، غیرهم‌نسل‌هایشان بگویند امام را چطور شناخته‌اند؟ و کدام کتاب آنها را به روزگار انقلاب خمینی بزرگ گره زده است. بعد هم با همان بزرگ‌ترها روزنامه دیواری معرفی کتاب را درست کنند. من تا هفته بعد باید منتظر بمانم و بعد می‌آیم نتیجه تلاش بچه‌هایم را برای شما می‌گویم. 📖



گردآوری:

دکتر

محمد علی آذرشب

مترجم:

محمد حسین

باتمان غلیچ

انتشارات:

انقلاب اسلامی

۴۳۴ صفحه

۴۵۰۰۰ تومان

ضمیمه کتاب و داستان روزنامه جام جم  
سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۹۹ • شماره ۱۰۶

ایام  
قصه‌های  
کتاب

مروری بر خاطرات رهبر انقلاب از روزهای مبارزه

# روایت صبر و نصر

شاید خواننده ناآشنا تصور کند با یک روایت کم‌فراز و فرود روبه‌روست ولی باید گفت بیان قدرتمند رهبری در این کتاب در توصیف مکان‌ها کاملاً موفق ظاهر شده و اثری که رضایت خواننده را جلب کند ارائه کرده است. علاوه بر این بیان احساسات و اتفاقات نیز در جای جای داستان توجه هر خواننده‌ای را جلب می‌کند. در مجموع از حیث داستانی با اثری رو به جلو مواجهیم که خواننده را راضی نگه می‌دارد. نکات داستانی در آن به دقت رعایت شده و این نشان می‌دهد نویسنده کتاب با نوشتن و ترفندهای روایتگری بیگانه نیست و با آنها آشنایی دارد.

اگر از بحث تکنیکی و فرمی کتاب عبور کنیم که می‌طلبد بیش از اینها درباره‌اش سخن گفته شود، نکته متمایزکننده این کتاب با دیگر کتب تاریخی موجود مرتبط با آن برهه تاریخی بیان حکمت‌ها و عبرت‌های تاریخی است که از بطن حوادث بیرون می‌آید و حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای به فراخور موضوع و موقعیت از بیان آنها غافل نمی‌شود و آن را بیان می‌کند. علاوه بر این مخاطب جوان و نوجوان که شاید به دلیل فاصله زمانی از این ماجرا و اتفاقات آن روزها اطلاع درستی نداشته باشد، با این اثر می‌تواند در یک سفر تاریخی شرکت کند و اتفاقات بازه حدود ۳۰ ساله منتهی به انقلاب را از زبان رهبر انقلاب که خود در جریان امور بوده و شاهد اتفاقات بوده‌اند، بخواند. بسیاری از اتفاقاتی که در حالت عادی برای خواندن و دانستنشان باید به کتب بسیاری رجوع شود، در «خون دلی که لعل شد» با یک روایت روان مرور می‌شود.

علاوه بر این بارها شنیده‌ایم که می‌گویند اگر مقاومت و پایداری انقلابیون در مبارزات علیه پهلوی نبود، انقلاب به ثمر نمی‌نشست. این چیزی است که در این کتاب با آن روبه‌رو هستیم و خواننده می‌بیند مبارزان و مجاهدان انقلابی چگونه در برابر فشارهای پهلوی ایستادگی کردند تا بتوانند به آرمان خویش دست پیدا کنند.

روایت رهبر انقلاب از روزهای مبارزه در این اثر به قدری متناسب با زبان و ساختار کتاب است که خواننده حس نمی‌کند مشغول خواندن خاطرات و مشاهدات ایشان است، بلکه گمان می‌کند با اثری داستانی که تخیل در آن نقش زیادی دارد روبه‌روست. در حالی که این نکته برآمده از قوت بیان و قلم رهبری است که می‌تواند چنین ظرفیتی را به خاطرات و مشاهدات اضافه کند تا خواننده را از ملال و خستگی دور کند، اتفاقی که در بسیاری از کتب تاریخی از این دست شاهد آن هستیم و خواننده پس از اندکی از مطالعه ادامه کتاب خسته می‌شود ولی در این اثر خواننده برایش دل‌کنند از کتاب راحت نیست و می‌خواهد یک نفس آن را ادامه دهد.

«خون دلی که لعل شد» یکی از آن آثار است که در فضای تاریخ‌نگاری انقلاب، آن هم از زبان یکی از چهره‌های اثرگذار آن روزگار و بعدها به عنوان رهبر آن، اثری متفاوت و تازه محسوب می‌شود که یک شاهد عینی در این مرتبه، چنین روایتی را برای تاریخ به جا گذاشته است.

بسیاری در تاریخ انقلاب به زندان رفته‌اند و شکنجه شده‌اند و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند. از دانش‌آموز و دانشجو تا طلبه و استاد دانشگاه، اصلاً اگر گذرتان به موزه عبرت افتاده باشد، با دیواری روبه‌رو می‌شوید پوشیده شده از اسامی افرادی که در بازداشتگاه کمیته مشترک ضدخرابکاری از طیف و گروه‌های مختلف دریند بوده‌اند. یکی از آن نام‌ها که روی آن دیوار نقش بسته، سیدعلی حسینی خامنه‌ای، فرزند جواد است! رهبر امروز انقلاب یکی از همین اسامی است که روزگاری در آنجا بازجویی و شکنجه شده و بدترین آزار و اذیت را متحمل شده است.

ایشان از جمله مبارزان و البته رهبران جریان مبارزات بوده که سال‌ها تبعید و زندان را متحمل شده و بخشی از سال‌های پیش از انقلاب را به جرم تبلیغ و روشنگری یا در تبعید بود یا در زندان!

کتاب «خون دلی که لعل شد» روایتی است از زبان حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای که در آن خاطرات زندان‌ها و تبعید دوران مبارزات انقلاب اسلامی ابتدا به زبان عربی بیان شده و بعدها به فارسی ترجمه و در اختیار مخاطب فارسی‌زبان قرار گرفته است. این کتاب ترجمه فارسی کتاب «إلّ مع الصبر نصرًا» است که ابتدا در بیروت منتشر و توسط سیدحسین نصرالله معرفی شد.

از آنجا که حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای آشنایی بسیار خوبی با ادبیات داستانی دارند با استفاده از توانمندی خود، همچون نویسنده‌ای متبحر به شرح داستان آن برهه از زندگی خود پرداخته‌اند. خواننده در این کتاب شاهد یک شخصیت‌پردازی بسیار خوب توسط ایشان است به‌شکلی که افراد حاضر در داستان توسط قلم معظم‌له به خوبی شناسانده و معرفی می‌شوند.

